

1. ای خداوند، گوش فرا ده
و اجابت فرما، زیرا که
ستمدیده و نیازمندم!

1. أَمِلْ يَا رَبُّ أذْنَكَ
أَسْتَجِبْ لِي، لِأَنِّي
مِسْكِينٌ وَيَائِسٌ أَنَا.

2. جان مرا حفظ کن، زیرا
سرسپرده توام. تو خدای
من هستی؛ خدمتگزار خود
را که بر تو توکل دارد،
نجات ده!

2. أَحْفَظْ نَفْسِي لِأَنِّي
تَقِي. يَا إِلَهِي، خَلِّصْ
أَنْتَ عَبْدَكَ الْمُتَكِلَ عَلَيْكَ

5. خداوندگارا، تو نیکو و
آمرزنده‌ای، و سرشار از
محبت نسبت به همه آنان
که تو را می‌خوانند!

5. لِأَنَّكَ أَنْتَ يَا رَبُّ
صَالِحٌ وَغَفُورٌ، وَكَثِيرُ
الرَّحْمَةِ لِكُلِّ الدَّاعِي
إِلَيْكَ.

6. خداوندا، به دعایم
گوش فرا ده؛ فریاد
التماس را بشنو!

6. اصْنَعْ يَا رَبُّ إِلَيَّ
صَلَاتِي، وَأَنْصِتْ إِلَيَّ
صَوْتِ تَضَرُّعَاتِي.

7. فِي يَوْمٍ ضِيقِي أَدْعُوكَ،
لِأَنَّكَ تَسْتَجِيبُ لِي.

8. لَا مِثْلَ لَكَ بَيْنَ الْأَلِهَةِ يَا
رَبِّ، وَلَا مِثْلَ أَعْمَالِكَ.

9. كَمُلُ الْأُمَمِ الَّذِينَ صَنَعْتَهُمْ
يَأْتُونَ وَيَسْجُدُونَ أَمَامَكَ يَا
رَبِّ، وَيُمَجِّدُونَ اسْمَكَ.

10. لِأَنَّكَ عَظِيمٌ أَنْتَ وَصَانِعُ
عَجَائِبَ. أَنْتَ اللَّهُ وَحْدَكَ

7. در روز تنگی خود تو را
می‌خوانم، زیرا که مرا مستجاب
می‌کنی.

8. خداوندگارا، در میان خدایان کسی
چون تو نیست، و نه کاری چون
کارهای تو!

9. خداوندگارا، قوم‌هایی که
آفریده‌ای، جملگی خواهند آمد و به
حضورت پرستش خواهند کرد، و نام
تو را جلال خواهند داد.

10. زیرا که تو بزرگی و کارهای
شگفت می‌کنی؛ تنها تو خدایی!

12 ای خداوندگار خدای
من، تو را به تمامی دل
خواهم ستود؛ و نامت را تا
به ابد جلال خواهم داد.

12 أَحْمَدُكَ يَا رَبُّ الْهَي
مَنْ كُلِّ قَلْبِي، وَأَمَجِدُ
أَسْمَكَ إِلَى الدَّهْرِ.

15 اما خداوندگارا، تو
خدایی رحیم و
فیاضی! دیرخشم و آکنده از
محبت و وفا!

15 أَمَّا أَنْتَ يَا رَبُّ فَالهِ
رَحِيمٌ وَرَوْوْفٌ، طَوِيلُ
الرُّوحِ وَكَثِيرُ الرَّحْمَةِ
وَالْح

6 به لحاظ غیرت، آزاردهنده
کلیسا؛ به لحاظ پارسایی شریعتی،
بی عیب.

7 اما آنچه مرا سود بود، آن را
به خاطر مسیح زیان شمردم.

8 بلکه همه چیز را در قیاس با
ارزش برتر شناخت خداوند مسیح
عیسی، زیان می دانم، که به خاطر
او همه چیز را از کف داده ام.
آری، اینها همه را فضله می شمارم
تا مسیح را به دست آورم

6 مِنْ جِهَةِ الْغَيْرَةِ: مُضْطَهَدُ
الْكَنِيْسَةِ. مِنْ جِهَةِ الْبِرِّ الَّذِي فِي
الْأَمُوسِ: بِلا لَوْمِ.

7 لَكِنْ مَا كَانَ لِي رِبْحًا، فَهَذَا قَدْ
حَسِبْتُهُ مِنْ أَجْلِ الْمَسِيحِ خَسَارَةً.

8 بَلْ إِنِّي أَحْسِبُ كُلَّ شَيْءٍ أَيْضًا
خَسَارَةً مِنْ أَجْلِ فَضْلِ مَعْرِفَةِ
الْمَسِيحِ يَسُوعَ رَبِّي، الَّذِي مِنْ
أَجْلِهِ خَسِرْتُ كُلَّ الْأَشْيَاءِ، وَأَنَا
أَحْسِبُهَا نَفَايَةً لِكَيْ أَرْبِحَ الْمَسِيحَ،

9 وَأَوْجَدَ فِيهِ، وَلَيْسَ
لِي بِرِّي الَّذِي مِنْ
النَّامُوسِ، بَلِ الَّذِي
بِإِيمَانِ الْمَسِيحِ، الْبِرِ
الَّذِي مِنْ اللَّهِ بِالْإِيمَانِ.
10 لِأَعْرِفَهُ، وَقُوَّةَ
قِيَامَتِهِ، وَشَرِكَةَ الْإِمَةِ

9 و در او یافت شوم، نه با
پارسایی خویشتن که از شریعت
است، بلکه با آن پارسایی که
از راه ایمان به مسیح به دست
می آید، آن پارسایی که از
خداست و بر پایه ایمان.

10 می خواهم مسیح و نیروی
رستخیزش را بشناسم و در
رنجهای او سهیم شده، با
مرگش همشکل گردم،

12 نمی‌گویم هم‌اکنون به اینها دست یافته‌ام یا کامل شده‌ام، بلکه خود را به پیش می‌رانم تا چیزی را به دست آورم که مسیح عیسی برای آن مرا به دست آورد.

12 لَيْسَ أَنِّي قَدْ نَلَيْتُ أَوْ صِرْتُ كَامِلًا، وَلَكِنِّي أَسْعَى لَعَلِّي أَدْرِكُ الَّذِي لِأَجْلِهِ أَدْرَكَنِي أَيْضًا الْمَسِيحُ يَسُوعَ.

13 برادران، گمان نمی‌کنم هنوز آن را به دست آورده باشم؛ اما یک کار می‌کنم، و آن اینکه آنچه در عقب است به فراموشی می‌سپارم و به سوی آنچه در پیش است خود را به جلو کشانده،

13 أَيُّهَا الْأَخَوَةُ، أَنَا لَسْتُ أَحْسِبُ نَفْسِي أَنِّي قَدْ أَدْرَكْتُ. وَلَكِنِّي أَفْعَلُ شَيْئًا وَاحِدًا: إِذْ أَنَا أَنْسِي مَا هُوَ وَرَاءُ وَأَمْتَدُّ إِلَى مَا هُوَ قَدَامًا،

14 برای رسیدن به خط پایان می‌کوشم، تا جایزه‌ای را به دست آورم که خدا برای آن مرا در مسیح عیسی به بالا فرا خوانده است.

14 أَسْعَى نَحْوَ الْغَرَضِ لِأَجْلِ جَعَالَةٍ دَعْوَةِ اللَّهِ الْعُلْيَا فِي الْمَسِيحِ يَسُوعَ.

1- المصلين الأعزاء ،

هل لديك ما يمنحك الاستقرار والأمان في الأوقات الصعبة؟ على ماذا تبني هل يمكن ارتداؤها في جميع مواقف الحياة؟

مرارًا وتكرارًا ، يختبر الناس أن حياتهم تنهار فجأة مثل بيت من ورق. عندما تفقد أحد أفراد أسرتك بجانبك ، وعندما تصاب بمرض خطير ، تفقد وظيفتك أو منزلك. يزحف الشعور بأنك بنيت على الرمال.

على ماذا تبني؟ يسوع يسأل جمهوره في نص عظة اليوم.

1. آیا چیزی دارید که در مواقع سخت به شما ثبات و امنیت دهد؟ روی چه چیزی بنا می کنید؟ آیا در همه شرایط زندگی کاربرد دارد؟

بارها و بارها مردم تجربه می کنند که زندگی آنها به طور ناگهانی مانند خانه کاردستی فرو می ریزد. وقتی چیزی را در کنار خود از دست می دهید ، هنگامی که به شدت بیمار می شوید ، شغل یا خانه خود را از دست می دهید. حسی که شما زندگی خود را بر روی شن و ماسه ساخته اید . شما خانه خود را روی چه چیزی می سازید؟ عیسی در متن خطبه امروز از مخاطبان خود می پرسد.

كل من يسمع هذه الكلمات مني (يقول يسوع) ويطيعها يشبه الرجل الحكيم: لقد بنى بيته على أرض صخرية. ثم هطلت أمطار غزيرة. فجرت الأنهار ضفافها، واندلعت العواصف وهزت المنزل. لكنها لم تنهار لأنها بنيت على أرض صخرية.

من يسمع هذه الكلمات مني ولا يطيعها فهو مثل رجل غبي: بنى بيته على أرض رملية. ثم هطلت أمطار غزيرة. فجرت الأنهار ضفافها، واندلعت العواصف واصطدمت بالمنزل. ثم انهار وانهار تماماً.

هرکسی که این سخنان را از من بشنود و از آنها اطاعت کند مانند یک انسان خردمند است که خانه خود را بر روی زمین سنگلاخ بناکرد. سپس رگبار باران آمد. رودخانه ها سواحل خود را ترک کردند، طوفان ها شدت گرفت و خانه ها را تکان داد. اما سقوط نکرد زیرا در زمین سنگلاخی ساخته شده بودند.

هرکس این سخنان را از من بشنود و از آنها اطاعت نکند مانند یک مرد احمق است: او خانه خود را در زمین ماسه ای بنا میکند. سپس رگبار باران آمد. رودخانه هامسیر هایشان را ترکیدند، طوفان ها شدت گرفت و خانه سقوط کرد. سپس فرو ریخت و کاملاً نابود شد.

3. اغلب ما تصاویر طوفان را در تلویزیون یا اینترنت می بینیم: طوفان ها خسارت شدید وارد می کنند ، باران شدید و جریانات اب ورودخانه ها کل مناطق را طغیان می کند. تنها از خانه هایی که در زمین محکم و هموار با پایه محکم ساخته شده اند خراب نشده است.

عیسی در مثال خود در مورد ساخت خانه می گوید زندگی ما مانند خانه است. نمای بیرونی مهم نیست. فرقی نمی کند که مجلل باشد یا به سادگی طراحی شده باشد. عامل تعیین کننده بنیادی است که ما "خانه" خود را بر اساس آن بنا می کنیم.

3- في كثير من الأحيان نرى صورًا للعواصف الرعدية على شاشات التلفزيون أو على الإنترنت: تسبب العواصف أضرارًا جسيمة ، وأمطارًا غزيرة وتضخم الجداول والأنهار تغمر مناطق بأكملها. فقط المنازل التي تم بناؤها على أرض مستوية صلبة مع أساس متين يتم إنقاذها.

حياتنا مثل البيت ، يقول يسوع في مثله عن بناء منزل. الواجهة الخارجية ليست مهمة. لا يهم ما إذا كان فاخرًا أو مصممًا ببساطة. الأمر الحاسم هو الأساس الذي نبني عليه "بيتنا".

4. اعتقاد به خدا ، گوش دادن به سخنان عیسی ، اساسی است. اما اگر فقط سخنان او را می شنوید و به آنها عمل نمی کنید ، خانه خود را روی ماسه می سازید. اعتقاد و عمل با هم تعلق دارند.

عیسی می گوید ، از سخنان من پیروی کن و طبق آن رفتار کن! تنها در این صورت است که "خانه" شما در برابر طوفان ها مقاومت میکند. این درخواست از عیسی در پایان خطبه در کوه می آید.

"از سخنان من پیروی کن" - عیسی به آنچه که اخیراً به شاگردانش موعظه کرده اشاره دارد.

با آنها از کوهی در جلیل بالا رفت. در زیر، در دره ، افراد زیادی از همه نقاط کشور جمع شده اند. در بالا ، در قله ، عیسی استراحت می کند تا بتواند بار دیگر آنچه را که در ایمان مهم است برای شاگردانش روشن کند.

4- الإيمان بالله والاستماع إلى كلام يسوع أمر أساسي. لكن إذا سمعت كلماته فقط ولم تعمل عليها ، فأنت تبني على الرمل. المعتقد والعمل ينتميان معاً.

اتبع كلامي ، يقول يسوع ، وتصرف وفقاً لذلك! عندها فقط سيصمد "منزلك" في مواجهة العواصف. يأتي هذا النداء من يسوع في نهاية العظة على الجبل.

"اتبع كلامي" - يشير يسوع إلى ما بشر به تلاميذه للتو. وصعد معهم إلى جبل في الجليل. أدناه ، في الوادي ، تجمع العديد من الناس من جميع أنحاء البلاد. في القمة ، على القمة ، يجد يسوع الراحة ليوضح لتلاميذه مرة أخرى ما هو مهم في الإيمان.

5. موعظه در کوه احتمالاً شناخته شده ترین متن انجیل متی است. بیشتر ما آنها را می شناسیم.

در آغاز ، سعادت‌مندان وجود دارند: خوشا به حال عزاداران ، گرسنگان ، فقرا ، ضعیفان. خدا دست خود را بر آزاردیدگان می گیرد ، بر افرادی که صلح می کنند ، ملایم و مهربان هستند.

این کلمات آرامش بخش و روح بخش هستند. آنها تصویر خدایی مهربان را ترسیم می کنند که با قوم خود به خوبی رفتار می کند و در آنها به دنبال تصویری است.

5-ربما تكون الموعظة على الجبل هي أشهر نص إنجيل متي. معظمنا يعرفهم.

في البداية هناك التطويبات: طوبى للحنن ، الجياع ، الفقير ، الضعيف. يمسك الله يده على المضطهدين ، على الذين يصنعون السلام ، وديع ورحيم.

هذه الكلمات تبعث على الارتياح والارتقاء. إنهم يرسمون صورة إله محب ورحيم يحسن التعامل مع شعبه ويبحث عن صورة فيهم.

6. عیسیٰ ادامه می دهد. به خواست خدا و به احکام او عمل کنید.

وقتی روزه می گیرید و وقتی نماز می خوانید ، در آن صادق باشید. واقعاً خود را با خدا همسو کنید. چگونه

ممکن است او را به پدری خطاب کنید: "پدر ما در آسمان".

گنج جمع نکنید. به خدا توکل کن ، او از تو مراقبت خواهد کرد.

بگذارید نور شما در مقابل مردم بدرخشد. زندگی شما باید الگویی برای دیگران باشد.

6- عش و فقا لذك ، تابع يسوع. احفظوا مشيئة الله لوصاياہ.

عندما تصوم وعندما تصلي فكن صادقاً فيه. حقاً اصطف نفسك مع الله. كيف يمكنك أن تخاطب الأب: "أبانا الذي في السموات".

لا تجمع الكنوز. توكل على الله ، سوف يعتني بك.

دع نورك يلمع أمام الناس. يجب أن تكون حياتك قدوة للآخرين.

7. شما نمک زمین هستیدا! "اگر نمک دیگر نمک نیست ، از چه چیزی باید استفاده کنید؟ دیگر هیچ فایده ای جز دور انداختن و اجازه دادن به مردم برای خرد کردن آن ندارند

کلمات تندی که به آخرالزمان اشاره می کند. عیسی می گوید: "درختی که میوه خوب نمی دهد": "قطع می شود" و در آتش انداخته میشود. و در مثلث ساختن خانه (متن خطبه ما) این جمله بیان شده است: هرکسی که مطابق خواست خدا زندگی نکند و از سخنان من پیروی نکند ، بر روی شن بنا شده است و کار و زندگی او در نهایت از بین می رود.

7- أنتم ملح الأرض! "إذا لم يعد الملح مملحًا ، فماذا تستخدم؟ لم يعد له أي فائدة من التخلص منه وترك الناس يسحقونه. (متی 5:13)

كلمات قاسية تشير إلى يوم القيامة في آخر الزمان. بالمقابل ، صورة "الشجرة التي لا تثمر ثمارًا جيدة": "قُطِعَتْ" ، يقول يسوع ، "وتلقى في النار". وفي مثل بناء بيت (نص عظمتنا) البيان: من لا يعيش حسب مشيئة الله ويطيع كلامي ، فقد بنى على الرمل. فقد عمل حياته وحياته في النهاية.

8. در خطبه کوه ، عیسی در مورد برخورد با هموعان ما هشدار می دهد:

برای قضاوت درباره دیگران قیام نکنید. هموع خود را همانطور که خود را دوست دارید دوست داشته باشید با دیگران آنگونه رفتار کنید که دوست دارید آنها با شما رفتار کنند.

دشمنان خود را نیز دوست بدانید. از خود در برابر افرادی که به شما آسیب می رسانند دفاع نکنید. اگر کسی به گونه راست شما ضربه زد ، گونه دیگر خود را نیز دراز کنید. اگر کسی می خواهد از شما برای پیراهن شما شکایت کند ، کت خود را نیز به او بدهید.

8- في العظة على الجبل ، نصح يسوع كيف نتعامل مع إخوتنا البشر:

لا تقم للحكم على الآخرين. أحب إخوانك من بني البشر كما تحب نفسك ، وعامل الآخرين كما تحب أن يعاملوك.

أحب أعدائك أيضًا. لا تدافع عن نفسك ضد من يؤذيك. إذا ضربك أحدهم على خدك الأيمن ، فافرد خدك الآخر أيضًا. إذا أراد شخص ما مقاضاتك بسبب قميصك ، فامنحه معطفك.

9- أعتقد أن هذه التعليمات من يسوع لمحبة أعدائنا تقدم لنا "الأشخاص الطبيعيين" بمهمة صعبة. لا أَدافع عن نفسي إذا تعرضت للهجوم - هل يمكنني فعل ذلك؟ أليست هذه حدود إنكار الذات والاستسلام؟ ألا يشجع الآخريين على أن يكونوا عدوانيين ومسيئين؟

أم أن مثل هذا الموقف من محبة الأعداء ونبذ العنف يمكن أن يشع للآخرين؟ هل يمكن أن يغير الطريقة التي يعيش بها الناس معًا؟

9. من فكر مي كنم اين دستورالعمل های عيسى برای دوست داشتن دشمنان ما "مردم عادی" را با یک کار دشوار روبرو می کند. اگر مورد حمله قرار گرفتیم از خودم دفاع نکنم - آیا می توانم این کار را انجام دهم؟ آیا این امر به خودداری و تسلیم شدن خود محدود نمیشود؟ آیا دیگران را به پرخاشگری و سو استفاده ترغیب نمی کند؟

یا آیا چنین نگرشی از دوست داشتن دشمنان و دست کشیدن از خشونت می تواند به دیگران نیز سرایت کند؟ آیا می تواند شیوه زندگیمشترک افراد را تغییر دهد؟

10. در خطبه کوه ، عیسی این نکته را بسیار برجسته و سازش پذیر می داند که شنیدن پیام او کافی نیست. باید نحوه فکر و عمل ما را تعیین کند.

خداوند قوم خود را دوست دارد. او در کنار آنها می ایستد و در مورد زندگی آنها صحبت می کند. اما او همچنین از آنها انتظار پاسخدارد. شما باید با او تماس بگیرید - با گوش دادن و دعا کردن. در عین حال ، تمام زندگی آنها باید با خواست خدا همسو باشد. در غیراین صورت آنها "روی شن ساخته شده اند".

منظور از آن چیست؟ آیا عیسی می خواهد در این خطبه به شاگردان و ما بگوید که ما باید خود را از طریق کارهای خوب ، از طریق "کارهای شایسته" ، عشق خدا و "مکانی در پادشاهی آسمان" بدست آوریم؟

10- في العظة على الجبل ، أوضح يسوع أنه لا يكفي سماع رسالته. يجب أن تحدد كيف نفكر ونتصرف.

يحب الله شعبه. يقف إلى جانبهم ويتحدث في حياتهم. لكنه يتوقع أيضًا إجابة منهم. يجب أن تبقى على اتصال معه - من خلال الاستماع والصلاة. في الوقت نفسه ، يجب أن تتوافق حياتهم كلها مع إرادة الله. وإلا فإنهم "بنوا على الرمال".

ما الذي يفترض أن يعني؟ هل يريد يسوع أن يقول لتلاميذه ولنا في هذه العظة أنه يجب علينا أن نكتسب أنفسنا من خلال الأعمال الصالحة ، من خلال "الأعمال الصالحة" ، ومحبة الله و "مكان في ملكوت السماوات"؟

11. نه ، من متقاعد شده ام که آن چیزی که قرار است باشد ، نیست. عیسی در سخنرانی خود برای آشکار ساختن شنوندگانش اشاره کرد: اعتقاد به خدا و پیام او نباید فقط یک "نظریه" باقی بماند. ایمان باید از سر به قلب و به دست ها برود.

ایمان برای ایجاد ریشه در درون خود به فضاها و زمان های عقب نشینی ، سکوت نیاز دارد.

اما همچنین باید در ظاهر - در تماس با افراد دیگر - زندگی کرد. آنچه ما به آن اعتقاد داریم باید در زندگی روزمره ما نیز منعکس شود. فقط در این صورت است که می توانیم با خدا و خودمان هماهنگ زندگی کنیم.

11- لا ، أنا مقتنع بأن هذا ليس ما يجب أن يكون عليه الأمر. أشار يسوع في خطابه ليوضح لمستمعيه: الإيمان بالله ورسالته يجب ألا يظل مجرد "نظرية". يجب أن ينتقل الإيمان من الرأس إلى القلب وإلى اليدين.

يحتاج الإيمان إلى فضاءات وأزمنة من التراجع والصمت حتى يتجذر في الداخل.

ولكن يجب أيضًا أن تعيش في الخارج - في اتصال مع أشخاص آخرين. ما نؤمن به يجب أن ينعكس أيضًا في حياتنا اليومية. عندها فقط يمكننا أن نعيش في انسجام مع الله ومع أنفسنا.

12. من فکر می کنم که عیسی نگران یک زندگی موفق است: با توجه به زندگی ابدی ، "پادشاهی آسمان" ، بلکه همچنین در زندگی زمینی ، اینجا و اکنون. زندگی ای که به دیگران سرایت می کند. "بگذارید نور شما در برابر مردم بدرخشد": با اعمال خود آنچه را که به آن اعتقاد دارید و امیدوار هستید ، شهادت دهید.

اگر ما (همیشه) موفق نشویم آنطور که خدا می خواهد زندگی کنیم؟ به عنوان مثال ، اگر ما نتوانیم دشمنان خود را نیز دوست داشته باشیم؟ آیا همانطور که مثل به ما نشان می دهد آیا "خانه" ما فرو می ریزد و گم می شود؟

12- اعتقد أن يسوع يهتم بحياة ناجحة: فيما يتعلق بالحياة الأبدية ، "ملكوت السموات" ، ولكن أيضًا في الحياة الأرضية ، هنا والآن. حياة تشع للآخرين. "دع نورك يضيء أمام الناس": اشهد على ما تؤمن به وتأمل من خلال أفعالك.

ماذا لو لم ننجح (دائمًا) في العيش بالطريقة التي يريدّها الله؟ على سبيل المثال ، إذا فشلنا في حب أعدائنا أيضًا؟ هل سينهار "بيتنا" ويضيع - كما يظهر لنا المثل؟

13. نه ، من معتقدم که سخنان عیسی درباره رحمت خدا به ما امید می دهد.

مارتین لوتر در مورد زندگی مسیحی می نویسد: این در مورد تقوی بودن نیست ، بلکه در مورد تقوا بودن است ، نه آرامش ، بلکه تمرین. این یک راه است.

و بنابراین ما قبلاً آن را از پولس در نامه خود به فیلیپی ها شنیده ایم: "منظور من این نیست که من در حال حاضر کامل هستم و به هدف خود رسیده ام. اما من به سوی هدف می دویم تا پس از تسخیر عیسی مسیح بر آن دست یابم.

13- لا ، أعتقد أن كلمات يسوع عن رحمة الله تعطينا سبباً للأمل.

يكتب مارتن لوتر عن الحياة المسيحية: لا يتعلق الأمر بالتقي ، بل التقوى ، وليس الهدوء ، بل الممارسة. بل هو وسيلة.

ولذا فقد سمعنا ذلك بالفعل من بولس في رسالته إلى أهل فيلبي: "لا أعني أنني كامل بالفعل وأنني قد حققت هدفي. لكنني أجري نحو الهدف لكي أمسكه بعد أن استولى عليّ يسوع المسيح".

14- من یؤمن بالمسیح لا یحتاج إلی
أن یكون كاملاً. یمكننا أن نسال الله أن
یغفر لنا قصورنا وذنوبنا. قد نطلب منه
أن یخلصنا من الشر. یمكننا أن نطلب
منه الشجاعة والقوة للذهاب فی طرق
جديدة.

یمنحنا الله الفرصة للبدء من جدید -
مراراً وتكراراً ، إذا كان علینا ذلك.
"بیت حیاتنا" لم ینته نهائياً ، یمكننا
أن نبني علیه ما دما نعیش.

والحسن: الله یعین.

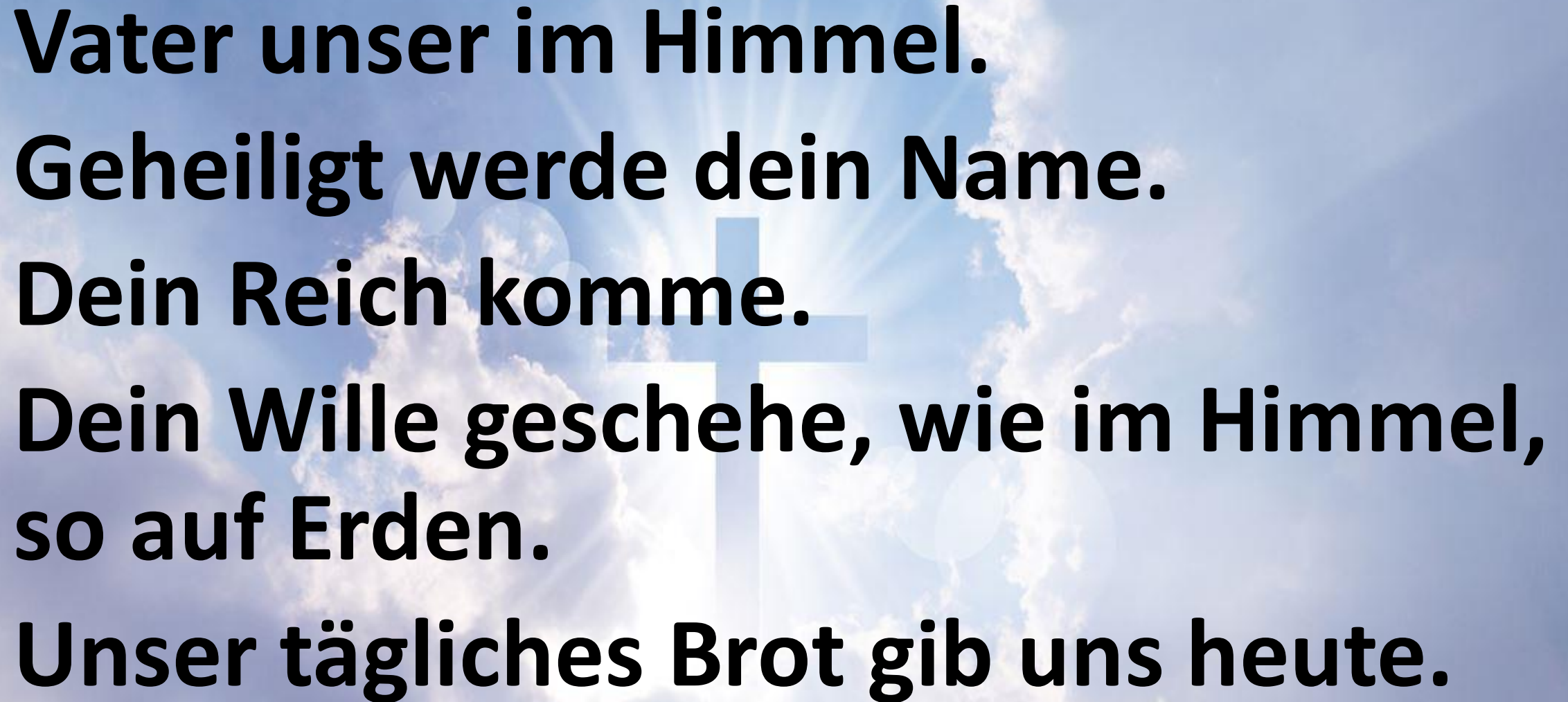
آمین.

14. کسی که به مسیح ایمان دارد نیازی به
کامل بودن ندارد. می توانیم از خدا
بخواهیم که ما را به خاطر نارسایی ها و
گناهان ما ببخشد. ممکن است از او
بخواهیم که ما را از شر نجات دهد. می
توانیم از او شجاعت و قدرت بخواهیم تا
راههای جدیدی را طی کند.

خداوند به ما این فرصت را می دهد که در
صورت نیاز بارها و بارها شروع کنیم.
"خانه زندگی" ما یکبار برای همیشه به
پایان نرسیده است ، ما می توانیم تا زمانی
که زنده هستیم بر روی آن بنا کنیم.

و خوبی این است: خدا کمک می کند.

آمین



**Vater unser im Himmel.
Geheiligt werde dein Name.
Dein Reich komme.
Dein Wille geschehe, wie im Himmel,
so auf Erden.
Unser tägliches Brot gib uns heute.**



**Und vergib uns unsere Schuld, wie auch
wir vergeben unseren Schuldigern.**

**Und führe uns nicht in Versuchung,
Sondern erlöse uns von dem Bösen.**

**Denn dein ist das Reich und die Kraft und
die Herrlichkeit in Ewigkeit.**

Amen

